



ان و زحمتکشان!
انقلابیون سراسر ایران!
خلق رزمنده گردد!

با مبارزه متحدانه خود

تهاجم رژیم جمهوری اسلامی را درهم بشکنیم.

**قرارگاه پاسداران و
جانشینان در شهر کامیاران
زیر ضربات پیشمرگان
گوماله**

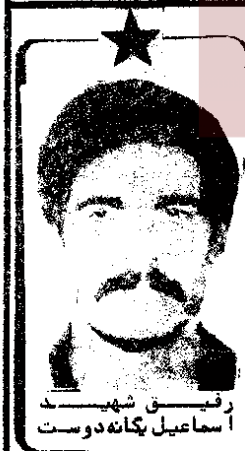
در صفحه ۴

دانشگاهها و محو همه آزادیهای
بقیه در صفحه ۲

**عملیات گسترده و
کویند و پیشمرگان گوماله
در داخل شهر سنندج**

در صفحه ۴

طی روزهای اخیر، در ادامه سیاست سرکوب و کشتار بیرحمانه، دسته‌های دیگری از جوانان انقلابی ایران بوسیله رژیم به جوخه‌های ترس سپرده شدند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از همان آغاز سرکوب و آزار و شکنجه‌ها را با برپایی بهار خونین سنندج و سرکوب و کشتار خلق ترکمن و توده‌های زحمتکش عرب و ده‌ها رلشکرکشی به کردستان، گوله باران ساکنین بیدفاع شهرها و قتل عام روستائیان زحمتکش، بهاران روستاها بوسیله نیروی هوایی ارتش سرکوب کرد و جنایتکار سرکوب مبارزات کارگران و هستن



در پی گسترش موج اعدام‌های دستجمعی زندانیان سیاسی

۴ تن از رفقای انقلابی دربند ما در زندان تبریز تیرباران شدند.

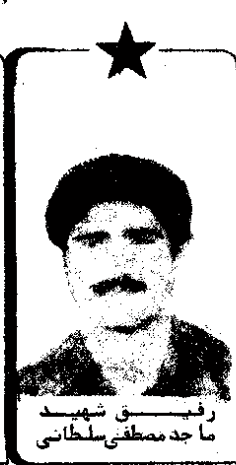
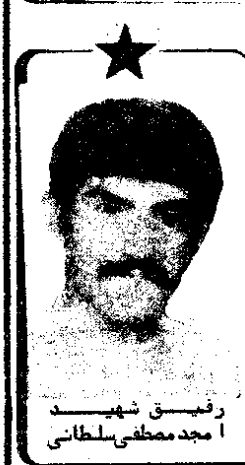
سازمان ما در پاسخ با اعلام رفقاً ۳ فروردین رژیم را اعدام انقلابی نمود.

در صفحه ۶

**مستأجابینا تقری
کارگران کوردها و خانه‌های
تاکستان**

کارگران مبارز کوردها و خانه‌های چال (منطقه تاکستان - بوئین زهرا) بعلمت اینکه با وجود گذشتن سه ماه از شروع فصل کار و منسوخ میسران دستمزدشان تعیین نشد ما استون نیز

بقیه در صفحه ۲



**مبارزه خونین و
قهرمانانه کارگران
شهر صنعتی البرز
(قزوین)**

در صفحه ۳

در پی گسترش موج اعدامهای دستجمعی

زندانیان سیاسی

۴ تن از رفقای انقلابی در بندها

در زندان تبریز تیرباران شدند.

سازمان ما در پاسخ به اعدام رفقا ۳ فروردین

ژریم را اعدام انقلابی نمود.

در صفحه ۶

ریبازی کوماند



رفیق شهید
اسماعیل یگانه دوست



رفیق شهید
امجد مصطفی سلطانی



رفیق شهید
ماجد مصطفی سلطانی



رفیق شهید
هوشنگ توحیدی

دموکراتیک و موج اقدام برای دسته
 جمعی انقلابیون در بند و عمواره .
 خواسته است که قابلیت خود را در
 دفاع از نظام پوسیده سرمایه داری
 و اعادة نظام امنیت و قانون بپسرای
 استثمار هرچه بیشتر و وحشیانه تر
 کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های
 تحت ستم نشان دهد و در این راه
 خائنین حزب توده و چریکهای
 اکثریت آمراریاری داد و میدهد.

اما رژیم جمهوری اسلامی با وجود
 همه این وحشیگریها در اثر پیروشد
 با مقاومت توده ها ناتوانی خود را
 در سرکوب جنبش انقلابی و مبارز
 کردن بحران اقتصادی و سیاسی
 نشان داده است و آنچه که امروز
 شاهد آنیم، منتهای قابلیت است
 که وحشیانه به آرمایش گذاشته است.

توده های مردم ایران باید بدانند
 که حکومت ایران چه در قالب یک
 دیکتاتوری لرزان رژیم جمهوری
 اسلامی و چه در صورت روی کار
 آمدن احتمالی دیکتاتوری نظامی
 در هر حال معنای جزا دامه سرکوب
 کارگران و زحمتکشان و خلین کرد و خفه
 کردن هرگونه دموکراسی را نداشته
 و نخواهد داشت و چیزی جز فقر و
 فلاکت و استثمار روحشیا نه را برای
 آنان با رمغان نخواهد آورد، پس
 علیه سلطه تمامی آنها باید متحد
 و یکپارچه مبارزه بر خاست .

کارگران و توده های زحمتکش و
 انقلابی سراسرایران !
 اکنون رژیم جنایتکار جمهوری
 اسلامی با شدید قتل عام و کشتار
 دسته جمعی انقلابیون در سراسر
 ایران و با براه انداختن حمام خون
 از زنان و دختران و نوجوانان انقلابی
 میخواهد قابلیت خود را در ریکا بردن
 قهر و زور علیه توده ها و دفاع از سرمایه
 به امپریالیستهای نشان دهد . پس
 بیایید با بیانی تشکلهای انقلابی
 خود، تمام کارخانجات و کارگاهها ،
 مدارس و محلات را به سنگر مقاومت
 و مبارزه علیه این رژیم جنایتکار و

انگل تبدیل نمائید و حیات ننکن
 آنرا هرچه کوتاهتر سازید .
 هم اکنون خلق ستمدیده کرد و
 پیشمرگان انقلابی ما ، اسلحه در
 دست و آماده در سنگریا تحمل تمام
 مصائب و بهارها را با دستاورد نش تمام
 ما با روحیه همیترا روزگار نجات
 جنبش مقاومت علیه نیروهای سرکوبگر
 این رژیم جنایتکار مبارزه بر آسان
 خود ادامه میدهند . بر شماست که

از مبارزه این خلین رزفنده پشتیبانی
 نموده و در جهت وحدت مبارزاتی
 خود با آن فعالانه بکوشید . چون
 با تقویت مبارزه کارگران و زحمتکشان
 کردستان ایران به تضعیف هرچه
 بیشتر و سپس نابودی دشمن مشترک
 همه ما یعنی رژیم ضد انقلابی
 جمهوری اسلامی کمک نموده اید .
 کارگران و زحمتکشان !
 خلق رزفنده کرد !

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نه
 تنها هیچگونه حقی برای خلین کرد
 قائل نیست بلکه ادامه سلطه شوهر
 جز کشتار و قتل عام و فقر و فلاکت و سیه
 روزی مردم نتیجه دیگر در بر ندارد
 پس بیایید در مبارزه انقلابی و هاد کشته
 خود علیه این رژیم انگل و جنایتکار
 هرچه بیشتر و فعالانه تری با تمام توان
 شرکت نمائید . به نیروهای
 پیشمرگ ما طغر شده
 و برای شرکت مؤثر تری تعداد هرچه
 بیشتر اسلحه بردارید . در تمام
 شهرهای تحت اشغال رژیم سر
 شدت مبارزات خود افزوده و خواب
 راحت را از نیروهای سرکوبگر سلب
 نمائید . و در هر شرایطی پیشمرگان
 را هرچه بیشتر یاری داده تا با
 وحدت و هماهنگی و نیروهای سرکوب
 بگور رژیم را درهم شکنیم . وحدت
 مبارزاتی خود را با کارگران و زحمتکش
 سراسرایران فزنده تر کرده و در هر
 کجای ایران هستید در مبارزات
 کارگران و زحمتکشان دیگر شهرهای
 ایران فعالانه شرکت نمائید . زیرا
 تقویت این مبارزات یعنی تقویت

جنبش مقاومت خلق کرد است
 گسترده مبارزه در سراسر ایران رژیم
 بیشترت عیف گشته و خلین کرد نیز
 بیشتر امکان در هم شکستن نیروهای
 سرکوبگر را پیدا خواهد کرد .
 تنگ و نفرت بزرگ جنایتکار
 جمهوری اسلامی !
 پیروزی با وحدت مبارزاتی کارگران
 و زحمتکش سراسرایران !
 پیروزی با جنبش مقاومت خلق کرد !

تاکستان

**اعتصاب ۶۰۰۰ نفری
 کارگران کوره پزخانه ها**

با توجه به وضع بهداشتی بسیار
 نامناسب و غیر انسانی محیط کارشان
 تصمیم به یک اعتصاب برای تأمین
 خواسته های برحق خود از تاریخ
 ۶۰/۳/۲۸ میگیرند . در این
 اعتصاب حدود شش هزار کارگر
 شرکت داشتند و
 خواسته هایشان عبارت بود از:
 ۱- تعیین دستمزد برای هر هزار
 خشت خام به میزان حداقل ۱۱۵
 تا ۱۲۰ تومان .
 ۲- رسیدگی و تأمین نیازمندیهای
 بهداشتی کارگران .

همزمان با شروع اعتصاب ۷ نفر
 از نمایندگان منتخب کارگران برای
 شرکت در جلسه تعیین تعیین دستمزد
 در وزارت کار به تهران فرستاده
 میشوند . روز ۶۰/۳/۳۱ از طرف
 وزارت کار نرخ رسمی برای تحویل
 هزار عدد خشت خام ۸۰ تومان تعیین
 میگردد . یک از نمایندگان کارگران
 به این مسئله اعتراض کرده و میگوید
 این دستمزد مورد قبول کارگران
 نمیباشد اما آنها هیچ جوابی به
 او ندادند و جلسه را خاتمه یافته اعلام
 میکنند . نمایندگان به کوره خانه ها
 برگشته و جریان را به اطلاع رفقای
 کارگران رسانند . کارگران
 مبارز شدیداً به این تصمیم اعتراض

نموده و اعلام میدارند که همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. این بار روز ۴/۴/۶۰ چند تن نمایندگان کارگران به بخش دولتی یوشین زهرارفته و خواسته های خود را به بخشدار و مسئولان جهاد سازندگی میدهند. بخشدار مزدور در جواب می گوید اگر فوراً به اعتصاب خود پایان ندهید یا ۱۴۰ ژانویه بدستی که در اختیار دارم به کوره پخت خانه آمده و شمارا سر جای تان می نشاند نمایندگان کارگران در جواب می گویند اگر همه ما را هم بکشید تا خواسته هایمان برآورده نشود دست از اعتصاب نخواهیم کشید به علاوه اجازه نخواهیم داد یک ماشین آجر هم از هیچ کوره ای خارج شود. فردای آن روز از طرف فرمانداری قزوین یک آخوند مرتجع برای تریب کارگران و واداشتن آنان به دست کشیدن از اعتصاب به منطقه فرستاده میشود. آخوند پس از عوامنوی و روضه خوانی به کارگران میگردد: شما نباید گول گروهها را بخورید و اعتصاب کنید و... کارگران در جواب میگویند: اگر شما و زمینتان ظاهر دار کارگران و مستضعفان هستید چرا از وزارت کار و بخشداری و فرمانداری گرفته تا جهاد و سپاه آخوند و... همگی برای حمایت از منافع کارفرما و اربابان سرمایه دار بسیج شده و سنگ آنها را به سینه می زنید؟ این برخورد شما با کارگران چه فرقی با برخورد رژیم شاه دارد؟ آخوند اعزازی پس از شکست عامور ضد کارگری خود زمین و ناتوان بر گشت و کارگران همچنان به اعتصاب خود ادامه دادند.

سرانجام روز ۵/۴/۶۰ بخشدار مزدور و یوشین زهرای همراه ژانویه بدست با اسد ابراهیم به منطقه کورمهرخانه ها آمده و اعلام میکنند هر کس سرکار نرود و راه رگبار خواهیم بست. یکی از کارگران میگوید امروز جمعه است و

اصلا هر نوع کاری تعطیل است. پاسداران به این کارگرمبارز حطه ور شده و اربابا پشت و لگد پشت زخمی میکنند؛ دیگر پاسداران هم با زدن گنگدن تفنگها از کمک آمدن دیگر کارگران جلوگیری کرده و با زور سر نیزه آنان را به سوی میدانهای کارشان متفرق میکنند. اعتصاب کارگران کورمهرخانه ها چال بخومی نشان میدهد که بدون تشکل واقعی کارگران - و در پراکنگی نمیتوان مبارزه را به پیروزی رسانید نیروی ۶۰۰ نفری فوق که متحدانه به اعتصاب پرداخت در صورت تشکل میتواندست به استقامت خود ادامه داد و کارفرما پاسداران حامی را در جهت تحقق خواسته های برحق خویش به عقب نشینی وادارد.

قزوین
مبارزه خونین و قهرمانانه
کارگران شهر صنعتی البرز

در ادامه درگیرها و جنگ و گریزها و لجن پراکنیهای اخیر حزب جمهوری اسلامی بر علیه نیروهای مترقی و انقلابی، ساعت یک بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۷/۳/۶۰ جلسه سخنرانی توسط حزب جمهوری پاسداران شهر صنعتی ترتیب داده شده بود که در آن قرار بود استاندار زنجان صحبت کند. به همین منظور از طرف سپاه پاسداران شهر صنعتی قزوین به کارخانجات اعلام میشود که در ساعت مقبر کارخانه را تعطیل کرده و به محل سخنرانی بیایند. بعد از تعطیل کارخانجات حد و ساعت یک بعد از ظهر دقیقه به دقیقه بر تعداد کارگران در محل خیابان اصلی شهر صنعتی افزوده میشود. بر طبق روال معمول حزب الهی های رژیم هم مشغول انجام وظیفه ننگین خود میگردد و شعارهایی بر علیه نیروهای انقلابی میدهند.

اکثریت قریب به اتفاق کارگران که از رفتن به محل سخنرانی امتناع ورزیده بودند در خیابان اصلی باقی میمانند. حزب الهی ها پاسداران مجدداً از کارگران دعوت میکنند که به محل سخنرانی بروند. ولی وقتی با خود داری کارگران از رفتن به سخنرانی روبرو میشوند بار دیگر شمارهای خود را بر طبق نیروهای انقلابی از سر میگیرند. رفته رفته برخی کارگران افزودند گشته و جوامع حاضر در خیابان لحظه به لحظه متشنج تر میشود. دیری نمی پاید که شعار بر طبق مرک برپشتی چون موجی عظیم را پرشکوه بر سراسر خیابان اصلی صنعتی البرز جاری شده و روح وحدت و یگانگی را بر توده کارگران میدهد و همچون تیفی برق لب پاسداران سرمایه فرورود. پاسداران که شکست خود و وحدت و یگانگی انقلابی کارگران را می بینند، آنان را بگوله میندند.

درگیری کارگران قهرمان از یک طرف و پاسداران جنایتکار از طرف دیگر شروع شد و آغاز دوشن آنهاست که مبادرت به شلیک گلوله کرد. نبودند توسط کارگران شدت مضروب و مجروح شدند. دنبال این حرکت قهرمانانه کارگران مبادرت به راهپیمایی به طرف قزوین مینمایند تا بعد وسیعتری به مبارزه ادامه خود بدهند. در این راهپیمایی پرشکوهر حدود ۱۵ هزار کارگر قهرمان شرکت داشتند که طنین گامهایشان سکوی چندین ساله جاده بخش آلودی بود که مدتها شاهد غارت دسترنج آنان بود در هم شکست و تخریب نخستین پیروز بهار واد رفا پراکنده ساخت. جلادان سرمایه کارا این حرکت دلیرانه بوحشت افتاد میبندند برای جلوگیری از پیوستن زحمتکشان و مبارزان داخل شهر قزوین که به

کند کارگران شهر صنعتی میشتافتند فاصله بین پلیس راه قزوین و ۳ راه شهر صنعتی را با گد اردن خود و هان دولتی و افراد مسلح سدود می نمایند . هنگامیکه راهپیمایان پس از طی ۷ کیلومتر به سه راهی شهر صنعتی می رسیدند پاسداران با شلیک رگبار هوایی از آنها می خواهند که متفرق شده به شهر صنعتی برگشته و با سرویسها به خانه بروند . ولی چون با عزم پولادین کارگران شجاع مواجه میشوند بار دیگر وحشتزد و دیوانه وار لوله های سلاحشان را به طرف کارگران نشانه میزنند . برای اجتناب از سهرای شهر صنعتی و راف جاده کرج - قزوین و باغهای مشرف به آن صحنه زد و خورد کارگران دلیر پاسداران رژیم میگردد . غرض سلسله های پاسداران سرمایه و فریاد مرگ بر خمینی کارگران مبارز و مشتبهای گره کرده شان و مقاومت چندین ساعته قهرمانانه آنها صحنه ای بود از یک حماسه که پیشک بر صفحات تاریخ مبارزات کارگران ایران نقش خواهد بست . در این نبرد حماسه آفرین حداقل چهار تن از کارگران قهرمان شهر صنعتی البرز (تاهنگام تهیه این گزارش) به شهادت رسیدند و سه کاروان شهدای راه رهایی طبقه کارگری بوستانند . ما با تقدیم راه سرخشان درودهای بیکران خود را نثارشان میکنیم و یادشان را گرامی میداریم . نوزده تن دیگر از مبارزین بوسیله گلوله زخمی شده اند و دهه نهادی در امارت بس میبرند . طبق اطلاع حدود شش قبضه اسلحه ۳ - ۳ و کلت و کلا - شینکف بوسیله کارگران مصادفه شده و فرمانده سپاه پاسداران شهر صنعتی قزوین بنام " احمد ظاهر خانی " نیز بشدت مضروب گردیده و در بیمارستان بس میبرد و شش تن از پاسداران نیز شدیداً مصدوم

شده اند که بنا به اخبار رسیده در تن از آنها بهلاکت رسیده اند .



عملیات گسترده و کوبنده پیشمرگان کومه له در داخل شهر صنعتی

بودند ، بلافاصله چراغهای سبازل اطراف درگیری را خاموش کرده و با شادی از پنجره های خانه ها عملیات و حرکت پیشمرگان را نظار و میگردند . در این حله قهرمانانه تعدادی از پاسداران سرمایه و جاشهای مزدور کشته و زخمی شدند که از آمار دقیق آنها اطلاعی در دست نیست . این دو من عملیات پل شهید جلال در فاصله کوتاهی است که بمناسبت سالگرد شهادت شهید ارفیق جلال گویلی و رفیق جمال خدا مراد پیور انجام میگردد . مردم صمیمانه با پیشمرگان همکاری میکردند و از این ضریات بی وقدرت پیشمرگان کومه له بردشمن شاد بودند .

● ۶۰/۴/۱۸ - پیشمرگان کومه له (پل شهید جلال) از ساعت ۱۱ تا پاسی گدشته از شب محلات و مناطق پیرامون مقر جاشها و پاسداران واقع در " خسرو آباد " و روابط عمومی پاسداران واقع در بلوار خسرو آباد را به کنترل در آورند و در ساعت یک با تعداد این دو لانه سرکوب و فاع از سرمایه را با آرمه بی . جی هفت و سبازیکا و نارنجک انداز مسلحهای سبک به شدت مورد حمله قرار دادند جاشها و پاسداران تا مدتی پس از شروع حله توان هرگونه عکس العملی را از دست دادند پس از مدتی که شروع به تیراندازی کردند ، تیراندازی ها - نشان اکثر هوایی بی هدف و ناشی از وحشت شدید بود . مردم خانه های اطراف که پس از مدتی از وجود پیشمرگان در شهر خبردار شده

قرارگاه پاسداران و جاش ها در شهر کامیاران زیر ضربات پیشمرگان کومه له .

گونه عکس العملی از خود نشان میدهند . در همین زمان یک دسته دیگر از پیشمرگان با خنجر و مایه گه ارتشیان در تپه های مشرف به شهر (پشت منبع آب) را کوبیدند که خسارات قابل توجهی به آن وارد شد . در حین این عملیات پیشمرگان منزل یکی از جاشهای مسلح واقع در یک کیلومتری کامیاران را محاصره و او را دستگیر نمودند که در بازجویی ها نشان یک قبضه اسلحه ۳ - ۳ و مقداری مهمات بدست پیشمرگان افتاد . ساعت ۲ با تعداد پیشمرگان

● ۶۰/۴/۱۷ - در اولین وقایع با تعداد روز چهارشنبه ۳ دسته از پیشمرگان کومه له (هیزی شهید شوان) وارد شهر کامیاران شده و قسمت های از شهر (محله کامیاران کون) را به کنترل خود در آوردند در ساعت یک با تعداد مفرکیمت جاشها و پاسداران را با سلاحهای سبک و سنگین مورد حله قرار دادند . در این حله برق آسانستهایسی از ساختمان که محل استراحت مزدوران بود بران شد و آتش گرفت و ضربه کاری پیشمرگان بعدی سرپوش بود که مزدوران مدتی نتوانستند هیچ

پاسداریهای عالی و نظم انقلابی بدون هیچ گونه آسیبی به پایگاه های خود بازگشتند و مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند .
تاثر این عملیات در بالا بردن روحیه مبارزاتی زحمتکشان منطقه چه در شهر و چه در روستا های اطراف شایان توجه بود . این عملیات در شرایطی انجام گرفت که رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر استحکامات زیاد و چندین پایگاه در شهر کوچک کامیاران ایجاد کرده است .

پیشمرگان کومه له ۳ جاش و پاسدار رادر حاد و کامیاران سنج بهلاکت رساندند .

● در تاریخ ۶۰/۴/۱۱ یک دسته از پیشمرگان کومه له (پل شهید جلال) در رجا ده کامیاران - سنندج در محلی واقع در بین دو کمین جاشلو پاسداران به کمین نشسته و یک ماشین که حامل کالیبر ۵۰ چهار سرنشین جاش هاسدار بود به کمین انداخته و آنرا زیر گبار سلا حقا سبک و سنگین خود گرفتند . در همان لحظات نخست ۳ نفر از ۴ سرنشین اتومبیل کشته و نفر چهارم زخمی گشت . پیشمرگان پس اتمام درگیری به روستاهای سیر راه خود رفته و ضمن افشاکری جنایات رژیم ، خیسر هلاکت جاشها هاسداران را به اطلاع آنها رساندند که با است خوشحالی مردم شد . این عملیات به مناسبت نخستین سالگرد شهادت کاک جلال گوهلی و کاک جمال خدا مراد پور انجام گرفت .
در این روز جاشها و پاسداران منطقه را با سلاحهای سبک و سنگین کوبیدند و چند گلوله خمپاره بسوی روستای "گزنه" انداختند که در نتیجه آن دو گلوله خمپاره به روستا اصابت

کرد که خوشبختانه تلفات جانی نداشت .

هلاکت ۴ مزدور رژیم در کومه له انفجاری پیشمرگان کومه له .

سقز

● ۶۰/۴/۶ - پیشمرگان کومه له دسته شهید فاروق یک تله انفجاری را در رجا ده نظامی پایگاه کجسل مینگان واقع در منطقه سرشیکو کار گذاشتند . در این روز یک ماشین جیب فرماندهی در نتیجه انفجار بموقع آن منهدم گردید که از چهار سرنشین آن ۲ تن درجا کشته شده و ۲ تن دیگر نیز پس از انتقال به بیمارستان سقز به هلاکت رسیدند . این عمل انقلابی پیشمرگان کومه له نشان داد که نیروهای سرکوهگی جمهوری اسلامی حتی در پایگاهها خود نیز در امان نخواهند بود .

ضربه پیشمرگان سازمان پیکار بر نیروهای دشمن در شهر سقز

● ۶۰/۴/۱۱ - به مناسبت شهادت چند تن از رفقای پیکار محسن فاضل و هدیه رضا رحمانی (شهبانی) و دیگر انقلابیون که به دست رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اعدام شدند سه دسته از پیشمرگان سازمان پیکار دسته های شهید کمال و شهید باقی و شهید طاهر و شب هنگام به داخل شهر سقز رفته و قسمتهایی از شهر را به کنترل خود در آورده و در خیابانهای ساحلی و پهلوی سابق

و فرج سابق به کمین مزدوران رژیم نشستند . در ساعت ۱۵ / ۰ دقیقه یک ماشین جیب ارتشی و پرازشین به کمین پیشمرگان افتاد که مورد حمله سلاحهای سبک و اسلحه تانک جیک انداز پیشمرگان قرار گرفت . بعد از مدتی یک اتومبیل حامل نیروهای کمکی دشمن به محل درگیری آمد که مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت و از محل دور شد . اتومبیل بار دیگر به محل درگیری آمد که اینبار مسرود حمله شد بد پیشمرگان قرار گرفت و از کار افتاد . همزمان با این درگیری کلیه پایگاههای مزدوران در شهر اطراف خود را بدون هدف سلاحهای سبک و سنگین میکوبیدند در جریان این درگیری دو خودی دشمن از کار افتاد و تمام سرنشینان آن کشته و بازخمی گردیدند که از تعداد کشته شدگان و زخمیها اطلاع دقیقی در دست نیست . در این جریان یک قبضه ژ - ۳ با دو خناب نبردست پیشمرگان افتاد . ضعیف در این دست پیشمرگان مسرود استقبال گرم مردم قرار گرفته و همبخش اعلامیه نوشتن شعار برداختند . بعد از اتمام درگیری کلیه پیشمرگان با نظم انقلابی ، سالم به پایگاههای خود بازگشتند .

بانه

● شب ۶۰/۴/۱۴ یک دسته از پیشمرگان کومه له " همیزی کربکار" دسته شهید ماجد پل شهید اسماعیل حمزه ای در رجا ده آرابا - پادگان ۲ تله انفجاری کار گذاشتند که در اثر انفجار بموقع آن ۳ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند .



در پی گسترش موج اعدامهای دستجمعی زندانیان سیاسی

چهارتن از رفقای دربند مادر تبریز تیربارن شدند

هم مینان مبارز!

خلر رزمده کرد!

چنانکه میدانید رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی چون حیوان درند های بیجان زندانیان زندیند افتاده و هرروز تعدادی از مصادیقترین فرزندان مینمان را در زندانهای تهران، تبریز، ارومیه، ساری، هایل، مهاباد، اشواز و... به جوخه آتش میسپارد. ولی رژیم خود به عیان میبیند که این اعدامهای دستجمعی نه تنها سبب فروکش مبارزه و خشم انقلابیون وتوده ها نشده بلکه آنها را در مبارزه علیه رژیم مصمم تر ساخته است.

روز هشتم تیرماه ۴ تن از رفقای انقلابی دربند ما، ماجد و امجد مصطفی سلطانی و اسماعیل یگانه دوست و هوشنگ توحیدی همراهِ باء تن دیگر از زندانیان انقلابی مینمان توسط درخیمان رژیم اعدام شدند. رفقای شهید جزو کسانی بودند که مادر ادمه جویان مبادله زندانیان، اسامی آنها را به مقامات رژیم داده و قرار بود سه روزه مبادله گردند. اعدام این رفقا برای چندمین بار نشان داد که جلادان حاکم هیچ قرار و تعهد و منطقی بجز اعدام و کشتار نمیکنند و در راه حفظ منافع طبقاتی خویش از هیچ جنایتی و بیگردان نیستند.

در این رابطه سازمان ما با انتشار اطلاعیه ای در تاریخ ۶۰/۴/۱۳ اعدام متقابل و انقلابی ۳ مزدور رژیم را اعلام نمود. در بخشی از این اطلاعیه چنین آمده است:

"... مادر اینجاست تسلیم به خانواده ما این شهداء اعلام میکنیم همانطور که درمذاکرات مربوط به مبادله مقامات رژیم اختار کرده ایم، ۳ نفر از مزدوران رژیم را که مستقیماً در کشتار خلق کرد شرکت داشته و در این رابطه به اسارت پیشمرگان مادر آمده بودند، و در برابر جنایات رژیم اعدام انقلابی نمودیم. اسامی آنها به قرار زیر است:

- ۱ - اژدر زاری (پاسدار) ۲ - مهدی دقاعیان (پاسدار)
- ۳ - سالار هدایتی (مزدور رژیم) . ما اعدام این مزدوران را تنها بخشی ناچیز از انتقام بزرگی میدانیم که کارگران و زخمکشان انقلابی ایران در تدارک آن هستند. بدون هیچ تردیدی طوفان مبارزات انقلابی سرتاسری ایران رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی را همچون رژیم شاه بگورستان تاریخ خواهد سپرد.

رفیق ماجد هفت ماه پیش و ۳ رفیق دیگر در تاریخ ۴/۷ دستگیر شده بودند. در این میان رفیق امجد بدون هیچگونه مدرکی و تنها به اتهام بردارکات فواد بودن دستگیر و اعدام شد. شهید امجد و امجد، ششمین وهفتمین شهید خانواده قهرمان پرور مصطفی سلطانی هستند، رژیم جمهوری اسلامی از حیثیت انقلابی "مصطفی سلطانی" ها چنان هراسی در دل دارد که رادیو تهرآن هنگام قرائت اسامی شهداء ماجد و امجد از کزنام خانوادگی آنان

مهاباد

● ۶۰/۴/۷ - در ادامه مین فزایدند، ترور و خفقان و بازداشت دستجمعی و کشتار خیابانی و اعدام جوانان انقلابی کمپوزده رچند هفته اخیر با هدف سرکوب مقاومت دلیرانه مردم مهاباد از سوی مزدورین جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی در این شهر صورت گرفته است. در این روز چند گروه از جاشها و پاسداران همزمان به مدارس مهاباد یورش برده و

پس از محاصره و اشغال مدرسه با در دست داشتن گیسوت سیاه به جستجوی دانش آموزان انقلابی و دستگیری آنان می پردازند. این یورش فاشیستی همه جا با اعتراض دانش آموزان و معلمان مبارز و پیرو می شود. درد بیستان کردستان پس از دستگیری بی دانش آموز همه کلاسها تطلیل میشود و دانش آموزان بیسوان اعتراض مدرسه را ترک میکنند. در مدرسه راهنمای سنیان معینی که پاسداران قصد دستگیری ۲ تن از دانش آموزان را داشتند یکی از آنان یکمذرفقای خود

موفق به فرار میشود. در هنرستان صنعتی با دستگیری یک هنرچبر دیگر هنرچویان به اعتراض پرداخته و خواستار آزادی وی میشوند. طاقت بهاپیکیری هافشاری آنان پاسداران مجبور میشوند فرد مزبور را آزاد نمایند. در همین روز پاسدار مزدوری بوی سخنانی به مدرسه گلاویز" رفته و به عواقریر در مورد این موضوع که آنها (نیروهای سرکوبگر) هیچکجه به مدارس تیراندازی نکرده اند، می پردازد. صدای اعتراض دانش آموزان از این دروغ آشکار بلند می شود و یادگر شواهد او را مجبور به اعتراف میکنند. با وجود این پاسدار مزدور نمایان سخنانی از دانش آموزان دعوت نمود که در راه میمایند.

خود دارن کسرد .

۴ رفیق ما با تحمل شکنجه‌ها با اقامت فرسا ، حماسه‌ها از مقاومت و شور انقلابی آفریدند و آنان در زیر شکنجه‌های دژخیمان نیز انقلابی تر از پیش به مبارزه عادلانه خود ادامه دادند و سنت انقلابی مقاومت تا پایان مرگ را برای ما برجای گذاشتند . حال به گوشه‌هایی از زندگی و مبارزه این عزیزان شهید نظر بیفتیم :

به یاد رفقای انقلابی شهید :



کاک اسماعیل یگانه دوست

کاک اسماعیل یگانه دوست در سال ۱۳۳۱ در تهران بدنیا آمد . او از همان آغاز دوران تحصیلی خود با مشکلات و رنج‌های زندگی زحمتکش از نزدیک آشنا بود . تابستانها بعد از امتحانات به کارگری میپرداخت و در سال ۱۳۵۱ تحصیلات متوسطه را به پایان رسانید . و وارد دانشگاه تهریز شد . او که با الهام از تئوسوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و مبارزات کارگران و زحمتکشان ، ضرورت مبارزه انقلابی علیه سرمایه‌داری را با گوشت و پوست خود درک کرده بود ، از همان آغاز در فعالیتهای سیاسی دانشگاه شرکت جست و رفقای دانشجویی همیشه در هراعتصاب و اعتراض علیه رژیم مزد ورشاه چه در خیابان و چه در دانشگاه ، اسماعیل را پیشاپیش خود می‌یافتند . اسماعیل که امر مبارزه را بر کسب مقام و مدرک تحصیلی ترجیح داده بود و بیشتر توان خویش را صرف مبارزه سیاسی مینمود با تأکید خاصی که همواره بر پیوند عمیق و صمیمانه با کارگران و زحمتکشان داشت ، مدتها به کارگری پرداخت و بالاخره از دانشگاه اخراج شد . اسماعیل در بهار ۵۹ همکاری جدی و صمیمانه خود را با سازمان مائوسو کرد و از همان آغاز در لوسوزانه و جسورانه در رفیع کمپو ها و نیازهای سازمان میکوشید . مدتی در صفوف پیشمرگان قهرمان کومه له در نبرد های دور و دروم جنبش مقاومت علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی شرکت جست و در طی این مدت با زحمتکشان روستای " تیکان تپه " بوکان ، روابط صمیمانه داشت . آنان هیچگاه خاطرهای را فراموش نخواهند کرد .

سرانجام رفیق مبارز ما در روز ۶۰/۳/۷ در خانه اش همراه با دو تن دیگر از رفقای سازمان ، کاک هوشنگ توحیدی و امجد مصطفی سلطانی دستگیر شد . کاک اسماعیل در تمام مدت زندانی بودنش ، هر چه در ویان انقلابی خود به طبعه کارگر و کومه له وفادار ماند و با وجود افعال وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها با اظون داغ و ضربه چاقوه اسرار سازمان را چون امانتی گرانبها در دل چون پولاد حفظ کرد و نگذاشت دشمن بر آنهادست یابد . سرانجام در نیمه شب ۶۰/۴/۸ رفیق اسماعیل همراه با سه تن دیگر از رفقای سازمان و ۶ تن از مبارزان انقلابی بدست دژخیمان وحشتزده جمهوری اسلامی اعدام گردید .

ها در دولتی شرکت کنند اما دانش آموزان باید آوری کشتار سوم تیرماه مردم مهیاد قاپاغانه میگویند اگر میخواهید ما را بکشید بیایید در مدار به رگبار ببندید . به این ترتیب مأموریت پاسدار مزدور با مقاومت آگاهانه دانش - آموزان مبارز باناکامی روبرو میشود .

● ۶۰/۴/۱۰ - در ایمن روز " دختران زینب " برای نمایش فیلمی درباره جنایات امریکاییه مدرسه " نیشتمان " میروند . در آغاز فیلم همین که عکس خمینی بر صفحه مس افتد دانش آموزان " هو " میکشند و در خلال نمایش فیلم با مشاهده صحنه‌های جنایت امریکا با صدای بلند شعار میدهند : قاره تلاتان ، سنندج ، مهیاد ، ما این ترتیب جنایات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان را با جنایات امریکادر مقیاس مقایسه میکنند .

دختران زینب برآشفته با دانش آموزان به بحث میپردازند و چون از عواطفی خود نتیجه‌های نمیگیرند مدرسه را ترک میکنند . نیم ساعت بعد دو ماشینی پاسدار برای دستگیری دانش آموزان مبارزه مدرسه میروند که با کلاسهای خالی روبرو میشوند .

با وجود اعتراض دانش آموزان و معلمان مهیاد ، پور پاسداران به مدارس دستگیری دانش آموزان مبارز مهیاد همچنان ادامه دارد و در این زمینه هواداران خائنین اکثریت وتودمان با معرفی کردن و راهرت دادن دانش آموزان فعال با پاسداران و جاشیان مزدور جمهوری اسلامی همکاری میکنند .





کاک ماجد مصطفی سلطانی

کاک ماجد در سال ۱۳۳۵ در روستای "آلمانه" مریوان دیدم به جهان گشود، ۴ کلاس ابتدائی را در زادگاهش تمام کرد و بقیه تحصیل خود را تا پایان دوره دبیرستان در شهر سنندج ادامه داد. در این دوران تحت تاثیر شخصیت انقلابی شهید فواد مہاراهنمائی وی با شعوری م. ل. آشنا شد. از سال ۵۴ به بعد همگام با تحصیل در انستیتو تکنولوژی تبریز و سپس در رشته پزشکی دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه بوعلی سینای همدان در مبارزات انقلابی دانشجویان نقش فعالی برآمده گرفت و تابستان نیز در جهت آگاه ساختن طبقه کارگر در کارخانه های ماشین سازی، تراکتور سازی و... بکار پرداخت.

با شروع جنبش توده های زحمتکش و انقلابی ایران، کاک ماجد بصورت انقلابی حرفه ای درآمد. در ۵۷ به پنهان شدن ۵۷ همراه برادر شهیدش کاک امین و دیگر همرزمانش تظاهرات حمایت از زندانیان سیاسی سنندج را که به رهبری کاک فواد دست به امتهاب غذا زده بودند، در برابرد گسترده سنندج سازماندهی کرد. این تظاهرات همچون جرقه ای بود که آتش مبارزات مردم سنندج را شعله ور گردانید. از آن پس کاک ماجد همواره در صحنه های مبارزات شهری کوردستان حضور فعالانه داشت.

در جریان قیام وین در تصرف ساواک سنندج نقش فعالی داشت و در جنگ نوروز خونین سنندج نیز مسلحانه به دفاع از دستاوردهای قیام و حقوق عادلانه خنق کرد برخاست. کاک ماجد یکی از نخستین پیشرگان "اتحادیه دهقانان مریوان و اورا ملن" بود و در درگیری روز ۲۳ تیرماه ۵۸ مردم مریوان با مزدوران ارتجاع که به تصرف ستاد سپاه پاسداران متجر گردید، همچنین در دفاع از مردم شهر در برابرتهدیدات سرکشیگران، رژیم باجسارت خستگی ناپذیری شرکت جست.

بدنیال فرمان شوم ۲۸ مرداد خمینی و هجوم ارتش و پاسداران به کردستان، پس از اعدام وحشیانه دوبرادرزنده اش کاک حسین و کاک امین مصطفی سلطانی و شهادت قهرمانانه برادر بزرگش کاک فواد شهید ماجد، ضربه روحی وارده را با ایمان به مبارزه عادلانه، طبقه کارگر و حقانیت جنبش مقاومت خلق کرد، به خشم و نفرتی عظیم علیه دشمنان کارگران و زحمتکشان مبدل ساخت و دوباره در ارتباط با کومه با همسرمی آهنگین برای ادامه مبارزه به تبریز رفت. کاک ماجد که پیش عضو سازمان مابود، پنج ماه پیش توسط پاسداران جهل و سرمایه دستگیر شد اما علی رغم آن همه شکنجه و وحشیانه نه تنها در برابردشمن سرتسلیم فرود نیاورد، بلکه ماهها از افشای نام حقیقی خود هم سر باز زد.

چفکسی بهتر از خود شهید ماجد میتواند در باره آخرین روزهای زندگی پر حماسه اش سخن بگوید؟ این در وصیت نامه ای که بدست ما رسیده چنین نوشته است

"رفقا! پس از ماهها اسارت در زندان رژیم ضد خلقی... بالاخره در میدانگاه ضد خلقی ارتجاع حاکم، با اتهام دفاع از آرمان طبقه کارگر، "سرا در کاک فواد بودن" با اعدام محکوم شدم. پس از محرز شدن اتهام دردادگه، به آرمان طبقه کارگر سوگند، به خلقم سوگند، با جوابی آتشین بردهان با و گوی "نوری" و "موتضایی" کوفتم. در مکتب کاک فوادها، کاک حسین ها و کاک امین ها (سه رفیق و برادر قهرمان شهیدم) و حسین کریمی ها، بهر خضری ها، گنجی ها، معینی ها و... آموخته بودم دفاع از آرمان طبقه کارگر را. کاک فواد آموخته بود مرا که: نیست بر لولج علم جز الف قامت بار (آرمان طبقه کارگر) - چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم."

در زمان اسارت توسط مزدوران رژیم، کاک ماجد کاک اسماعیل و کاک هوشنگ به وحشیانه ترین شیوه ها شکنجه شده بودند. سرانجام در شب ۶۰/۴/۸ کاک ماجد به همراه کاک امجد و ۲ رفیق کومه و زندانی انقلابی دیگر در محوطه زندان تبریز اعدام گردیدند. با ادامه راه انقلابی و الهام از استقامت دلیرانه اش یاد او را گرامی بداریم.

تحصیلات دبستانی خود را در زادگاهش بسر برده سپس در کلاس پنجم ابتدائی برای ادامه تحصیل مازم سنندج گردید و دوران راهنمائی را در یکی از مدارس این شهر به پایان رسانید. سپس وارد هنرستان صنعتی سنندج شد و در رشته برق تحصیلات خود را ادامه داد. دوران دبیرستانی کاک امجد



کاک امجد مصطفی سلطانی

کاک امجد مصطفی سلطانی در سال ۱۳۳۹ در روستای "آلمانه" مریوان بدنیا آمد. دوران کودکی و

همراه بارش آگاهی سیاسی و آشنائی با تئوری انقلابی
م. ل. و درک ضرورت مبارزه علیه رژیم شاه بود.

کاک امجد در این دوران تحت تاثیر دستگیری
و زندانی شدن کاک فواد و ارتباطی که با روشنفکران
انقلابی داشت، قرار گرفت و آشنائی عمیق تری با
مسائل سیاسی و اجتماعی پیدا کرد. و از آن زمان
مبارزات خود را علیه رژیم شاه شروع نمود. پس از تمام
دوره هنرستان صنعتی وارد انستیتوی تکنولوژی
ارومیه شد و در آنجا مبارزات خود را با شرکت فعالانه
در اعتراضات سیاسی دانشجویان ادامه داد. کاک
امجد بارش و گسترش جنبش انقلابی خلقهای ایران
علیه رژیم شاه مزدور و با شور فراوان در این مبارزات
شرشرهای ارومیه، سنندج و مریوان شرکت کرد.

کاک امجد فعالیتهای انقلابی خود را در یک
کانون دموکراتیک که در شهر مریوان به یاری عده ای از
دانشجویان و دانش آموزان مبارز موجود آمده بود،
ادامه داد. به هنگام تشکیل اتحادیه دهقانان
مریوان و اورامان نیز کاک امجد از هواداران فعال
آن به شمار میرفت.

در جریان جنبش انقلابی مردم مریوان بر علیه جاشها
مهاجران در ۲۳ تیرماه ۵۸ و همچنین در جریان کوچ
اعتراضی مردم این شهر، کاک امجد همراه شهید جلال
نسیمی در کمیته تدارکات و ارتباطات اردو و گاه فعالانه
شرکت داشت و مردم مریوان را یاری میداد.

بعد از پیروزی ۲۸ مرداد به کردستان و صدوز فرسان
جهاد خمینی، کاک امجد همراه دیگر مبارزان به صف
پیشمرگان درآمد. در این هنگام بود که دو برادر
دلیر و انقلابی کاک حسین و کاک امین مصطفی سلطانی
به حکم خلخال جلا در مریوان تیرباران گشتند و
یک هفته نگذشت که کاک فواد نیز در تیرباران قهرمانانه
با مزدوران رژیم شهادت رسید. کاک امجد که به
دوران شهادت برادران رزمند هاشمی به آلمان برگشته
بود، کارد و راول جنبش مقاومت در همین روستا در
ارتباط با کومه به فعالیتهای انقلابی ادامه داد.
سپس در ادامه مبارزات نه ارومیه رفت و از آن پس به
صورت یک انقلابی حرفه ای درآمد. از آن زمان پس
خصوصیات کاک امجد صمیمیت و صداقت او بود. این
خصوصیات باعث نفوذ معنوی او در میان همزمانش
شده بود.

سرانجام در روز ۳/۷/۶۰ به همراه ۲ تن از رفقای
کومه در تیریز دستگیر و پس از یکماه اسارت در شهاب
نگاه ۳/۸/۶۰ همراه برادر انقلابی کاک امجد
و ۲ تن از رفقای کومه و ۶ تن دیگر از مبارزان انقلابی به
دست دژ خمیان رژیم جمهوری اسلامی تیرباران گردید.
کاک امجد پس از کاک فواد و سه برادر روز پس
عموی شهیدش، هفتمین و جوانترین شهید خانواده
مصطفی سلطانی بشمار میرود. پادش گرامی و راهش
پرو و ام باد. درود و افتخار پرچمی
خانواده های انقلابی!

کاک هوشنگ توحیدی

(عضو کومه له)

رفیق شهید کاک هوشنگ توحیدی (با نام سازمانی
«طی») در سال ۱۳۳۶ در شهر سنندج زاده شد. دوران
دبستان را در سنندج گذراند، سپس همراه خانواده هاشمی به
تبریز رفت. کاک هوشنگ تا پایان دوره دبیرستان در
تبریز بود. و در همین دوره از طریق روشنفکران انقلابی
با تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم سلاح ایدئو-
لوجیک طبقه کارگر آشنا گردید. او بدلیل اهمیت
زیادی که به پیوند روشنفکران انقلابی با توده ها میداد،
طی سالهایی که بعنوان سپاهی دانش در یکی از
روستاهای اطراف راسر مشغول بکار بود عمیقاً با زندگی
زحمتکشان در آمیخت. دوره سپاهگیری او همزمان
با رشد و او جگری مبارزات خلقهای رزمنده ایران
بر علیه حکومت شاه جلا بود. کاک هوشنگ در آگاه
ساختن زحمتکشان و روستائیان آن منطقه همواره
تلاش میکرد. او بدلیل خصلتهای انقلابی، به خاطر

فداکاریها و زحمات زیادی که برای شاگردانش و اهالی
روستا کشید، مورد بسیار محبوب و مورد اعتماد آنان بود.
پس از سقوط رژیم شاه، به سقز بازگشت و در جمعیت
طرفداران زحمتکشان که یک جمعیت دموکراتیک و انقلابی
بود به فعالیتها پیوسته داد. آنروزها مبارزات انقلابی
دهقانان علیه فئودالها در جریان بود. رفیق ما
همراه دیگر مبارزان در این نبردهای مسلحانه
(جنگ گرفتو) شرکت داشت.
از آن پس ۵۸ کاک هوشنگ ارتباط تشکیلاتی خود را
با کومه بطور منظم در تبریز آغاز کرد. رفیق هوشنگ
در تمامی مدت فعالیتش در سازمان ما بعنوان مبارزی
خستگی ناپذیر، سرمشق و رفیقش بود. کارگران زیادی در
تبریز با چهره صمیمی او آشنا هستند.
کاک «طی» پیوسته در ارتقا سطح آگاهی کارگران
و سازماندهی آنان با جدیت تمام کار میکرد.

کاک هوشنگ در تاریخ ۳/۷/۶۰ همراه دو تن
دیگر از همزمانش در تیریز دستگیر شد. یکی از بر-
خورترین دورانهای زندگی سیاسی رفیق رزمنده ما

سرانجام در نیمه شب ۶۰/۴/۸ جلادان خون-
آشام رژیم جمهوری اسلامی این رزمنده فداکار را
همراه سه تن از رفقای سازمان ما و عتن دیگر از زندانیان
انقلابی در تبریز اعدام کردند و کینه و نفرت همرزمن
کارگرو سایر رفقای پیش رانست به همه دشمنان
طبقه کارگرشعله ور گردانید .
با درس گرفتن از مقاومت دلیرانه رفیق هوشنگ و با
احساس مسئولیت هر چه بیشتر در مقابل سازمان و
جنبش انقلابی یاد وی را گرامی میداریم .

مقاومت حماسه ای وی در برابر شکنجه دشمنان رژیم
جمهوری اسلامی بود ، وی در تمام طول یکماه شکنجه
وحشیانه ، با منتهای احساس مسئولیت در قبال
سازمان ، دردها و مشقات و شکنجه ها را با جان و دل
پذیرا شد ، لیکن لب را زداش را هرگز برای دشمنان
نکشود . و اسرار سازمان را در سینه پر خروش خویش
همچنان محفوظ نگه داشت . رفیق هوشنگ ، مدتی
قبل از دستگیری به عضویت کومه له در آمده بود .



۲۳ تیر ، یادآور مبارزات قهرمانانه کارگران نفت جنوب و سندی از خیانت حزب توده

تاریخ طبقه کارگر ایران نمایانگر
مبارزات خونین و قهرمانانه این
طبقه در راه دستیابی به خواسته های
برحق و عادلانه اش میباشد . ۲۳
تیر نمونه خوبی در این مورد میباشد
بجاست در شرایط کنونی که جمهوری
اسلامی بصورت عامل سرکوب کارگران
وزحمتکشان و عامل کشتار و قتل عام
دستجمعی انقلابیون و کمونیستها
در آمده است به اتحاد و همبستگی
خود فعالان در مبارزه علیه این رژیم
جنایتکار شرکت نموده و فرصت طلبان
و خائنین به طبقه کارگر را رسوا تر
سازند .

پس از سقوط رژیم دیکتاتوری رضا
خان بعلمت وجود دیکراسی نسبی
در جامعه و افزایش آگاهی سیاسی
در بین کارگران و زحمتکشان ایران
کارگران نیز بیشتر به حقوق خود
منحطه استثمار و وحشیانه سرمایه
داران داخلی و خارجی پی میبردند
در این میان کارگران نفت جنوب با
همبستگی و ایجاد تشکیلات ، مبارزات
خود را علیه دولت قوام السلطنه و
سرمایه داران انگلیسی آغاز کردند .
در اردیبهشت سال ۱۳۲۵ پیش
از ۱۰۰۰۰ نفر از کارگران صنعت
نفت برای پرداخت حقوق روزهای
جمعه دست به اعتصاب زدند .
پس از ۱۵ روز اعتصاب در ۲۹
اردیبهشت دولت مجبوره قبول

اما اعتصاب آرام کارگران در همان
روز نخست مورد تهاجم نیروهای
سرکوبگر رژیم و عوامل ارتجاعی قرار
گرفت . کارگران دست به مقاومت
زدند و تا ساعت ۱۲ شب ۴۷ نفر از
کارگران رزمنده شهید و ۱۷ نفر
زخمی شدند . در این یورش حتی
باشگاهها و اتحادیه های کارگری
فارت و جهاول شد .
در اعتراض به این کشتار وحشیانه و
به نشانه پشتیبانی از خواسته های
برحق نفتگران ، کارگران و زحمتکشان
دیگر شهرهای ایران با برپایی
متینک و تظاهرات خشم خود را نسبت
به اعمال جنایتکار مدافع سرمایه داران
نشان دادند .
رژیم ضد انقلابی وقت پس از کشتار
وحشیانه کارگران صنعت نفت هیتی

سرانجام کارگران در ۲۳ تیر ماه
۱۳۲۵ خشم و نفرت خود را از سرمایه
داران و اعمال امپریالیسم انگلیس
و رژیم مزدور و قتلها اعتصاب عظیم و
صد هزار نفری که تا آن زمان سابقه
نداشت و سراسر تاسیسات نفت
جنوب را در بر میگرفت ، به بار داشتند
بعضی از خواسته های کارگران
چنین بود :
۱ - قطع نفوذ شرکت نفت
انگلیس در امور سیاسی و داخلی
ایران ۲ - برکناری مصباح فاطمی
استاندار خوزستان ۳ - خلع
سلاح مشایر جنوب (که تحت نفوذ
رژیم و عوامل مرتجع بودند) ۴ - اجرای
کامل قانون کار (از جمله پرداخت
حقوق جمعه هابه کارگران) و . . .

حقوق قبول
دولت مجبوره قبول
حقوق جمعه هابه کارگران) و . . .

کومهله اداره بیمارستان بوکان را بعهدہ گرفت .

وظایف درمانی مردم منطقه را بر عهده دارند . در تعقیب این امر انسانی و سرای خنثی نمودن دیپلماسی رژیم جمهوری اسلامی و همچنین جلوگیری از هرج و مرج و تلف شدن وسایل بیمارستان کسه تنهابیمارستان منطقه بوکان است . اقدام به اداره بیمارستان شهر نمودیم .

مردم مبارز بوکان ! سازمان ما برای انجام هر چه بهتر خدمات درمانی به مشاورت و معاونت شما نیازمند است . ما از تمام کسانی که دوستدار جنبش مقاومت و خلق کرد میباشند ، انتظار داریم که صمیمانه ما را در اداره تنهابیمارستان منطقه ، یاری دهند . پشتیبانی مادی و معنوی شما از یک طرف ما را در انجام وظایف انقلابیمان استوارتر خواهد ساخت و از طرف دیگر ، مشت محکمی است بدوران فرصت طلبانی که شایع میکنند کسه ، خلق کرد قادر به اداره مسائل اجتماعی خویش نمیباشد .

محض اطلاع شما ، اکنون صرفنظر از پزشک ، متخصصین بهبوشی ، رادیولوژی ، ماماژی و آزمایشگاه و دیگر پرسنل لازم به کار مشغولند ."

بدنبال انحلال ادارات و مؤسسات درمانی بوکان اخیراً "تنهابیمارستان منطقه بوکان نیز از طرف رژیم ضد - خلقی حاکم منحل گردید . سازمان ما برای خنثی کردن توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و جلوگیری از بسوزن اختلال در امور درمانی مردم منطقه ، اداره بیمارستان را "راساً" بعهدہ گرفت . در این رابطه کومهله بوکان اطلاعاتی منتشر کرده است که بخش های از آن را نقل میکنیم :

" . . . سازمان ما ، بعنوان یکی از نیروهای انقلابی جنبش مقاومت و وظیفه دارد که علاوه بر افشا توطئه های رژیم در خنثی نمودن این توطئه ها که همان عملی بردارد ، مردم کردستان و بویژه مردم بوکان و حومه ، نیک آگاهند که از اوایل قیام ، اقدام به تاسیس "نه خوشخانهی گه" در محل ژاندارمری سابق نمودیم که وظیفه درمان بخشی از مردم شهر را برعهده داشت و در همان زمان بهداری روستای تیکان تپه را نیز اداره مینمودیم . با پیوستن رژیم به شهرهای کردستان ، ما این وظیفه را در روستاهای اطراف ادامه دادیم . اقدام به تاسیس هر قریب ۱۰۰ چندین درمانگاه نمودیم که ،

باتشکل و مقاومت و مبارزه یکپارچه توطئه های ضد دموکراتیک - ضد فرهنگی را خنثی کنیم .

بخشهایی از آن را ذیل نقل میکنیم : " . . . حکومت جمهوری اسلامی در ادامه توطئه های ضد دموکراتیک و ضد فرهنگی خود در سراسر ایران و

تحت عنوان فوق جمعیت مستقل معلمان مبارز . . . در رابطه با ترور ضد انقلابی شهید هوشنگ حنیفی یکی از معلمان مبارز قروه از سوی مزدوران حکومت جمهوری اسلامی اعلامیه ای منتشر کرده است که

چهار نفری مرکب از مظفر میروز معاون نخست وزیر ، آرامش و ۲ تن از رهبران حزب توده ، خائن راد را آن هنگام به خوزستان اعزام داشت . در آن زمان بعلمت آنکه دولت قوام قبول اجازه ورود چند تن از رهبران حزب توده را به کابینه ارتجایی خود داد بود ، این مزدوران در میان کارگران شروع به عوامفریبی کردند و با قبول بر آوردن ساختن خواسته های آنان و مجازات عوامل کشتار ، اعتصاب کارگران را به شکست کشاندند .

به این ترتیب حزب توده سبب پیگیری از خیانت و سرسپردگی خود را به حکم رژیم سرمایه داری بزرگای گدشت . این تنهابیمونه ای از اسناد خیانت حزب توده به کارگران و زحمتکشای ایران است که اکنون همه در کمال وقاحت نان این خیانتها را میخورد .

سندج

● ۶۰/۴/۴ - در این روز روی درب بسته شده سینما شهر فرهنگ سندج این عبارت به چشم میخورد : "بعلمت تو همین به رهبران انقلاب دو روز سینما تعطیل است" . جریبان از این قرار است که به هنگام نمایش فیلم " سقوط دیکتاتوری " وقتی عکس خمینی روی صحنه نشان داده می شود ، تماشاچیان با هوکشدن و مسخره کردن ، پاسدار نگهبان سینما را ناراحت میکنند . نگهبان تماشاچیان را تهدید میکند اما تماشاچیان با ادامه هوکشدن او را از کوربه در میزنند ، پاسدار سرانجام درمانده با استفاده از قلدری بهزور اسلحه تماشاچیان را از سالن بیرون کرده و سینما را تعطیل میکند و بهارت فوق را روی آن مینویسند .

* * *

یک افسر انقلابی به صف پیشمرگان کومه له پیوست.

در تاریخ ۶۰/۴/۱۵ یک افسر انقلابی از لشکر ۴۳ ارومیه که تنه راه مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را در پیوستن به نیروهای انقلابی و وفادار به منافع طبقه کارگر و زحمتکشان میدید و دیگر نمیتوانست ناظر کشتار و قتل عام خلق کرد و دیگر انقلابیون و زحمتکشان ایران باشد به صف پیشمرگان کومه له ملحق شد تا فعالانه تر در امر مبارزه علیه این رژیم جنایتکار شرکت نماید.
ارتشیان مبارز و انقلابی!

در شرایط کنونی که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ساطورقصابی خود را علیه خلق کرد و انقلابیون سراسر ایران بکار انداخته و وحشتزد هر نوع فریاد و اعتراضی را به گلوله میندند، با پیوستن به صف پیشمرگان کومه له

علیه این رژیم جنایت و سرکوب و خفقان به پا خیزید.
پسرورز از آن ماست.

بقیه توطئه های

اعمال عطلی آن در سطحی بسیار وسیع در کردستان بعد از انحلال آموزش و پرورش استان کردستان و اخراج دسته جمعی معلمان، زندان و اعدام معلمان و دانش آموزان مبارز و انقلابی در کنار سایر انقلابیون قطع حقوق معلمان شهرهای شمال کردستان (مهاباد - بوکان - سردشت - خانه و) تعطیل مدار سر بوکان و اشنوبه، تبعید و انتقال اجباری عددهای از معلمان کردستان و آذربایجان غربی و اعزام جمعی اهلر و بیسواد و سی

ها و محروم نمودن دانش آموزان از تحصیل و هر روز بخش تازه تری از این توطئه ها و عملکردها ارتجای خود را به نمایش میگذارد.
" حکومت جمهوری اسلامی در هفتاد هم ارد بیست ماه سال معلم مبارز و انقلابی هوشنگ حنیفی را در راه روستائی در اطراف قروه حین رفتن به سرکار و انجام وظیفه انقلابی در حالیکه سوار بر موتور بود هاست دستگیر کرده و میباید پس از شکنجه فسراوان در سپاه پاسداران قروه فردای آن روز در همان محل دستگیری با تکی شکنجه دیده و ولخته و حشیا نهمشهادت میرسانند.
تروریستهای رژیم صحنه جنایتکاران را چنان می آرایند که گویا این معلم شهید بر اثر تصادف کشته شده است و اما آثار گلوله و شکنجه و سابقه مبارزاتی شهید هوشنگ حنیفی جنایت آنها را نپوشانید و موجب خشم و نفرت مردم قروه بخصوص معلمان و دانش آموزان این شهر و روستاهای اطراف گردید"

هم میخان مبارز!

نیروی انقلابی!

برای گسترش فعالیتهای انقلابی

خود بگمکهای مالی و تدارکاتی

شما نیازمندیم.

ما را در این امر یاری دهید.